

مقایسه معماری هخامنشی و معماری یونان قدیم

هوشنگ سیحون

در حدود دو هزار و پانصد سال پیش دو ابر قدرت، یکی ایران هخامنشی و یکی یونان، قسمت‌های مهمی از دنیای آنروز را زیر نفوذ داشتند. هر دو کشور از نظر سیاسی و نظامی، فرهنگی و اقتصادی و موارد متعدد دیگر با هم در حال رقابت بودند. از آنجاکه معماری نمایانگر طرز فکر و سنت‌های آئینی و عقیدتی و فرهنگی جوامع است با پژوهشی عمیق می‌توان نکات برجسته و قابل توجه دو معماری را دریافت و مطالعه کرد. در مقایسه دو معماری لزوماً هم‌زمان یک بررسی کلی روی نقشه‌ها، حجم‌ها، جزئیات عناصر معماری، مقیاس و تزئینات و همچنین شیوه اجرا و تکنیک لازم می‌آید.

قبل از هر چیز باید بدانیم که شیوه اجرایی و تکنولوژی ساختمانی در زمان مورد نظر در هر دو منطقه تکنیک و شیوه ساختمانی سنگی بوده است، منتهی هر یک با روش و روال خود عمل کرده و از هیچ نقطه نظر شباهتی با هم ندارند.

معماری یونان از چهار نظم اصلی و یک نظم تلفیقی بوجود آمده است. گرچه بناها که شامل ستون‌ها، دیوارها، درگاه‌ها و پوشش هستند همگی تحت یک فکر و ایده ساخته شده‌اند، ولی از نظر شکل و تناسب و جزئیات تزئینی تحت قواعد خاص هر نظم با هم تفاوت کلی دارند ولی به هر صورت عامل اصلی همه این نظم‌ها ستون است. این چهار نظم اصلی عبارتند از:

۱- نظم دوریک (Dorique) که از هر نظر قوی‌ترین نظم معماری یونان است. و ستون آن با بدن عریان یک مرد قوی هیکل و نیرومند قیاس می‌شود.

۲- نظم توسکان (Toscan) که از نظر شکلی به اندازه نظم قبلی نیرومند نیست.

۳- نظم یونیک (Ionique) که علامت مشخصه آن پیچک‌های سرستون است و از نظر شکلی به یک زن ظریف تشبیه می‌شود.

۴- نظم کرینتین (Corinthien) که سرستون آن از برگ‌های گیاهی به نام اکانت (Acanthe) شبیه کنگر و کرفس تزئین شده است و ظریف‌تر از نظم یونیک است. این برگ‌ها جنبه تزئینی دارند و باربر نیستند.

۵- نظم کمپوزیت (Composite) دارای سرستونی است که از تلفیق سرستون یونیک و کرینتین بوجود آمده ولی در حقیقت این نظم اهمیت چهار نظم اصلی را ندارد. این نکته را توجه داشته باشیم که تزئینات برگ در سرستون کرینتین از تزئینات برگ نخل در سرستون‌های مصری اقتباس شده است. یک ستون دیگر هم گاهی اوقات به کار می‌برند که کل ستون را یک بدن انسان، معمولاً زن، تشکیل می‌دهد به نام کاریاتید (Cariatide) که نمونه‌های آن خیلی کم است.

در کلیه نظم‌های ذکر شده به غیر از نظم دوریک که فاقد پایه ستون است ستون‌ها از سه قسمت تشکیل می‌شوند: پایه ستون، تنه یا بدنه ستون و سرستون. ستون‌ها در بدنه تا یک سوم از محل پایه ستون به طرف بالا استوانه‌ای هستند و از آن به بعد تا زیر سرستون بطور نامحسوس جمع و باریک‌تر می‌شوند. این جمع شدن قطر در نیم‌رخ ستون یک نوع انحناء را طی می‌کند که در اصطلاح فرانسه آن را Galbé شدن نام نهاده‌اند. قطر ستون در قسمت استوانه‌ای واحد اندازه‌گیری برای تمام تناسبات بنا قرار می‌گیرد و حتی خود ستون و جزئیاتش و همچنین پوشش بالای ستون‌ها (آنتابلمان Entablement شامل آرشیتراو Architrave، فریز Frise و کورنیش Corniche) و جزئیات تماماً تابع این واحد مقیاس هستند، و طبعاً در هر نظم این واحدها و مقررات اندازه‌گیری تغییر می‌کنند. پوشش کلی ساختمان در نوع نقشه مستطیل با خریای چوبی با پوشش سفالی روی آن. و در نوع نقشه دایره‌ای گنبد سنگی است (پانتئون در رم).

در نقشه مستطیلی معمولاً ورودی اصلی در محور ضلع کوچک منظور می‌شود که نمونه‌های متعدّد آن در معابد یونان وجود دارد. خریاها با چوب‌بندی از اتصال قطعات متعدّد ساخته می‌شوند و شکل مثلث متساوی الساقین را دارند که از یک ضلع بزرگ مستطیل ساختمان به ضلع دیگر کار گذاشته می‌شوند و در طول این ضلع به تعداد لازم و فواصل مساوی قرار می‌گیرند. بنا بر این از روبرو و نمای ورودی اصلی این مثلث کاملاً نمایان است. برای مخفی کردن آن در نما یک مثلث با الگوی خود خریا از سنگ می‌سازند (Fronton) که در متن آن حجاری‌های تزئینی از ترکیبات انسان و حیوان و عناصر دیگر به کار می‌رود. گرچه این توضیحات برای معماری معابد داده شده ولی همین طرز فکر در سایر بناهای یونانی با اشکال مختلف و تفاوت‌هایی تقریباً حکم فرما است.

و اما در مطالعه معماری هخامنشی توجه خواهیم کرد که گرچه ستون عنصر اصلی معماری را تشکیل می‌دهد ولی سایر اجزاء از قبیل درگاهی‌ها، جرزها و پلکان‌ها نیز اهمیت خود را دارا هستند. ستون که از پایه و بدنه و سرستون تشکیل می‌شود کمترین شباهتی به ستون در نظم‌های چهارگانه یونانی ندارد. پایه و سرستون از نظر حجم و ارتفاع نسبت به کل ستون اهمیت فوق العاده دارد. پایه ستون به صورت زنگ شتری با تزئینات خاصی ساخته می‌شود و سطح اتکاء بیشتری دارد. بدنه ستون از روی پایه تا زیر

سرستون با خط مستقیم بالا می‌رود و جمع می‌شود. موضوع استوانه‌ای تا یک سوم از پایه و سایر نکات در اینجا مطرح نیست و واحد اندازه‌گیری تناسبات هم به صورت معماری یونانی وجود ندارد. سرستون در نوع باشکوه‌تر خود اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که یک قسمت مهم کل ستون را اشغال می‌کند، و از سه قسمت تشکیل می‌شود: اول به صورت یک گل باز شده با خطوط هندسی روی بدنه ستون قرار می‌گیرد. دوم یک بلوک شیاردار به ارتفاع تقریباً قسمت اول با چهار پیچک در بالا و چهار پیچک در پایین (از دیدنما) و سوم دو نیم تنه گاو که پشت بهم کرده‌اند و در وسط گرده خود گویی تیر اصلی را حمل می‌کنند و در کل، سطح اتکاء زیادی را بوجود می‌آورند. و نیز سرهای خم شده آنها در نما بار کتیبه و قرنیز را متحمل می‌شوند. در ستون‌های ساده‌تر قسمت‌های اول و دوم حذف می‌شوند و فقط دو نیم تنه گاو و یا شیر پشت بهم کرده سرستون را تشکیل می‌دهند که در مقایسه با سرستون‌های یونانی باز هم اهمیت خیلی بیشتری دارند. پوشش روی ستون‌ها به صورت یک کتیبه سرتاسری ساخته می‌شده که از نظر شکل ارتباطی با سرپوش ستون‌های یونانی ندارد. در مورد پوشش کلی ساختمان‌ها آنچه از قرائن بر می‌آید شیوه ساختن خرپا در نزد هخامنشیان معمول نبوده. مثلث ساخته شده با سنگ برای مخفی کردن خرپا موردی ندارد. بنا بر این از این لحاظ هم شباهتی نیست.

تزئینات دیوارها، جرزها، طاق‌نماها و مخصوصاً پلکان‌ها و دست‌انداز آنها تماماً با حجاری نقوش برجسته زیبا از اشکال انسان و حیوان، و در مواردی ترکیب بدن انسان و حیوان، انجام شده‌اند. دو نکته مهم در این نقوش برجسته خودنمایی می‌کند. یکی موضوع ریتم است که عناصر انسانی، حیوانی و گیاهی همه با نظم و ریتم خاص اجراء شده‌اند. و دوم اینکه موضوع آفتاب ایران که بی‌اندازه درخشان است تأثیر خود را در بوجود آوردن نقوش برجسته گذاشته است. بدین معنا که برجستگی نقوش در کمترین حد تراش خورده‌اند. بنا بر این در همین حد کم تابش آفتاب جزئیات را به خوبی نمایش می‌دهد و لزومی به برجستگی زیاد نیست. این هر دو نکته در مقایسه با معماری یونانی و تزئینات آن نشان می‌دهد که باز هم بین این دو معماری مشابهتی وجود ندارد.

حال اگر بخواهیم از نظر نقشه (Plan) دو معماری را با هم مقایسه کنیم، باید دو نمونه تقریباً هم‌زمان را در نظر بگیریم و این پژوهش را انجام دهیم. این دو نمونه یکی مجموعه "تخت جمشید" (Persepolis) در فارس نزدیک شیراز است؛ و دیگری مجموعه "آکروپولیس" (Acropolis) در آتن. این دو مجموعه با اختلاف ۴۰ یا ۵۰ سال (کاخ‌های هخامنشی زودتر ساخته شده‌اند) تقریباً هم‌زمان بوجود آمده‌اند. و هر دو بر روی صفا‌های سنگی برپا شده‌اند. ولی از نظر ابعاد مجموعه صفا و کاخ‌های تخت جمشید نسبت به صفا آکروپولیس و بناهای مذهبی آن بسیار بزرگتر و عظیم‌تر و باشکوه‌تر است. موضوع و کاربرد دو مجموعه نیز با هم اختلاف زیاد دارد. در تخت جمشید شاخص بناها کاخ‌های سلاطین است که در زمان‌های مختلف ساخته شده ولی در آکروپولیس عوامل ساختمانی کاربرد آئینی و مذهبی دارند.

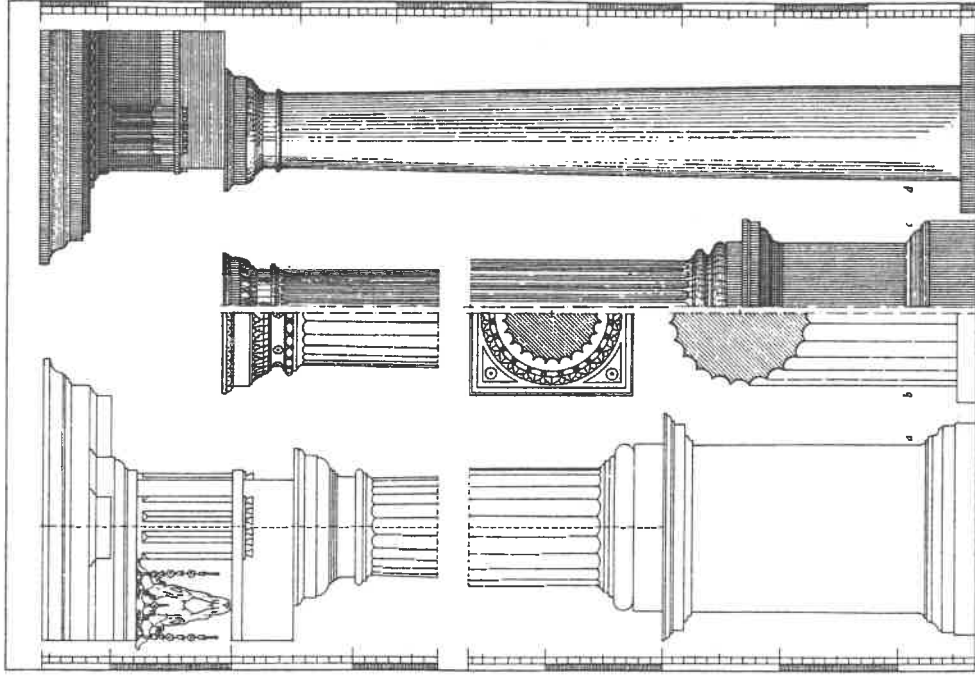
در تخت جمشید کاخ‌ها و تالارها اغلب دارای نقشه مربع شکل هستند و نیز فواصل ستون‌ها نسبت بهم و نسبت به دیوار مجاور مساوی گرفته شده، گویی جدولی با خطوط متقاطع رسم کرده‌اند و ستون‌ها را در تقاطع خطوط برپا کرده‌اند. در ایوان‌ها نیز همین شیوه برقرار است. در صورتی که در نقشه کلی آکروپولیس نظم تخت جمشید حس نمی‌شود. بناها نسبت بهم با فواصل زیاد و زوایای مختلف قرار گرفته‌اند. ستون‌ها و بناها کشیدگی و ارتفاع و عظمت بناهای تخت جمشید را ندارند. و روی هم رفته ابهت و شکوه تخت جمشید با بناهای آکروپولیس قابل قیاس نیست، چه در نقشه و چه در نماها و حجم‌ها. بطوری که وقتی معبد پارتنون (Parthenon) را که عامل اصلی مجموعه آکروپولیس است در جوار یکی از کاخ‌های تخت جمشید با یک مقیاس رسم کنیم با تعجب می‌بینیم فرق تناسب چقدر زیاد است.

از کاخ‌های مهم تخت جمشید کاخ صد ستون، کاخ آپادانا و کاخ تَچَر را نام می‌بریم. در کاخ تَچَر که کوچکتر از سایر کاخ‌ها است ستون وجود ندارد. جرزها و دیوارها و طاق‌نماها با ابعاد بزرگ سنگی ساخته شده‌اند. در بعضی از دیوارهای کاخ‌ها در مغز دیوار خشت خام به کار رفته؛ و نماها با سنگ ضخیم پوشش شده‌اند که باز از نظر مقایسه با شیوه اجرائی یونان متفاوت است. در تزئینات و حجاری‌ها باید گفت اشخاص و حیوانات در یونان بسیار نزدیکتر به واقعیت هستند، در صورتی که در معماری هخامنشی گرایش تزئینات به طرف خطوط هندسی است. با وجود این در ضمن خلاصه کردن خطوط رعایت حالات شده است. مثلاً خطوط چهره و موهای سر و گردن گاو و چروک‌های بالای چشم بی‌اندازه شگفتی‌انگیز است. همچنین است حالت شیر غران در حال دریدن گاو. بطور خلاصه در هیچ موردی بین دو معماری ایرانی هخامنشی و یونانی وجه تشابهی نیست؛ و هر یک راه خود را رفته‌اند. ولی به هر حال در هر دو معماری شاهکارهای بی‌چون و چرایی آفریده شده است.

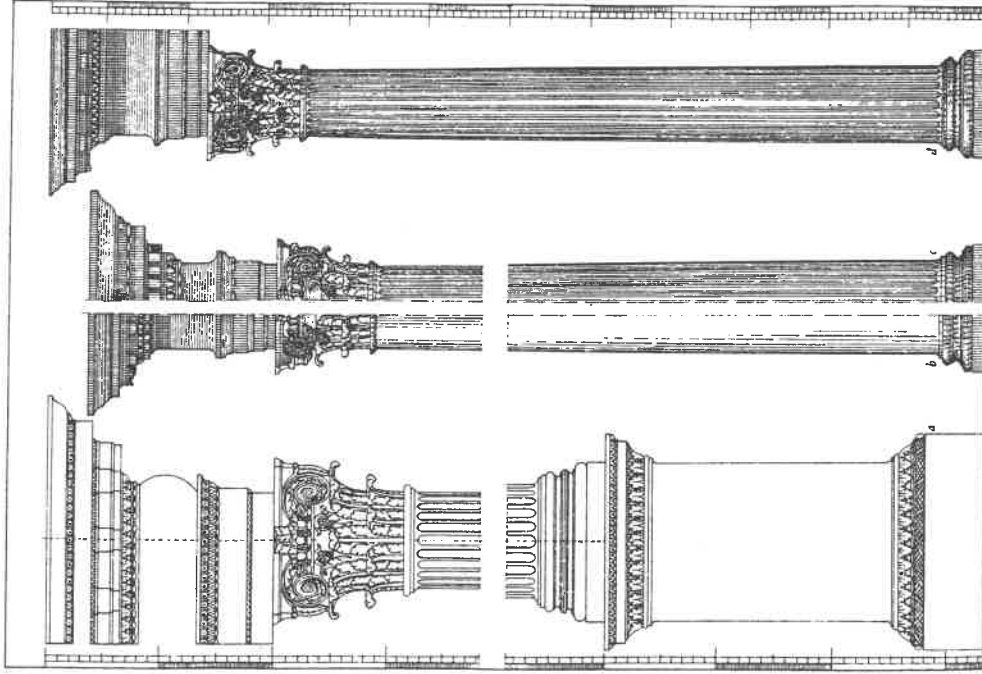
تصاویر مربوط به مقاله "مقایسه معماری هخامنشی و یونانی"

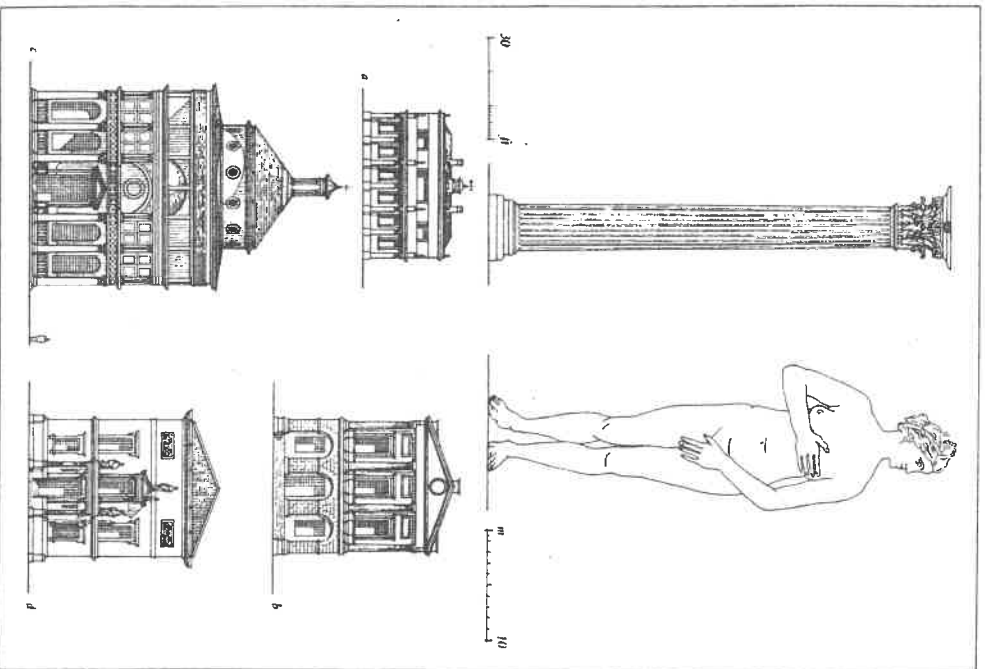
در صفحات مختلف نشریه درج شده است

رومان و رنسانس دوریک - یونان

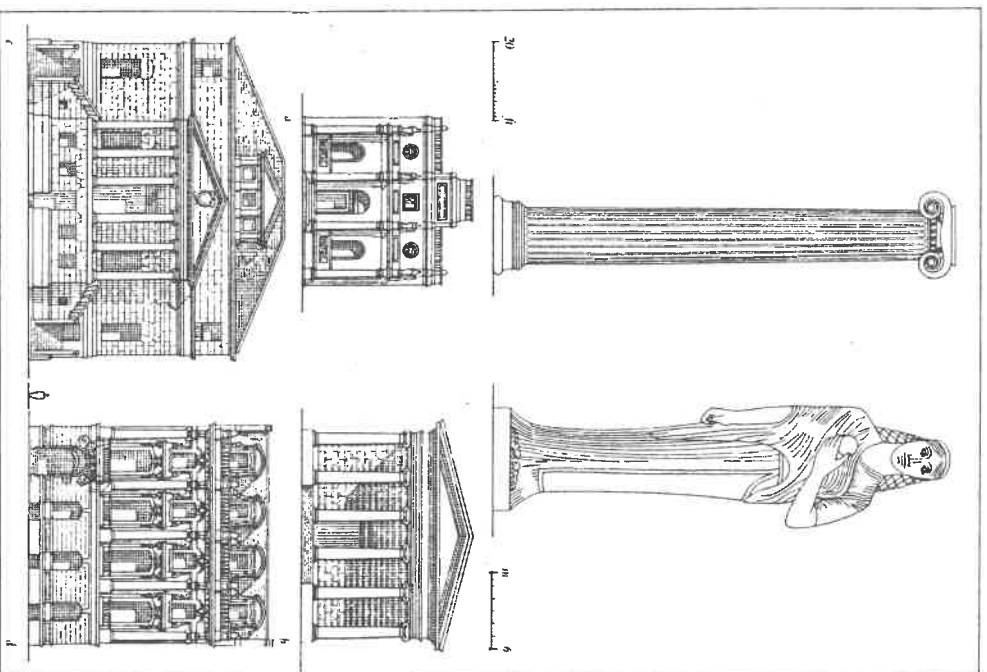


نظم کمپوزیت - یونان



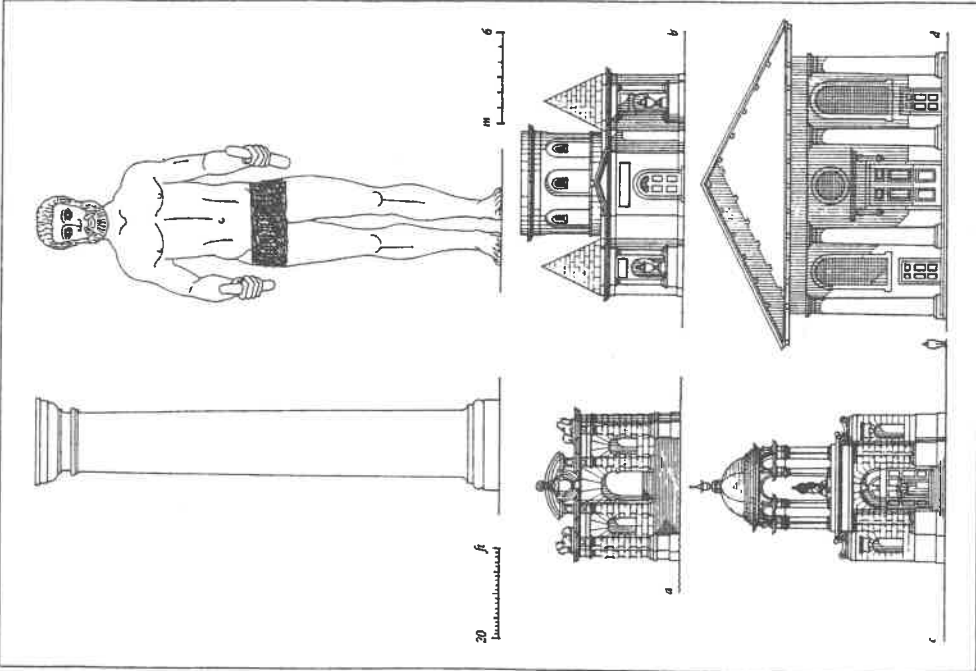


موارد استفاده از نظم کورنتیک یونان

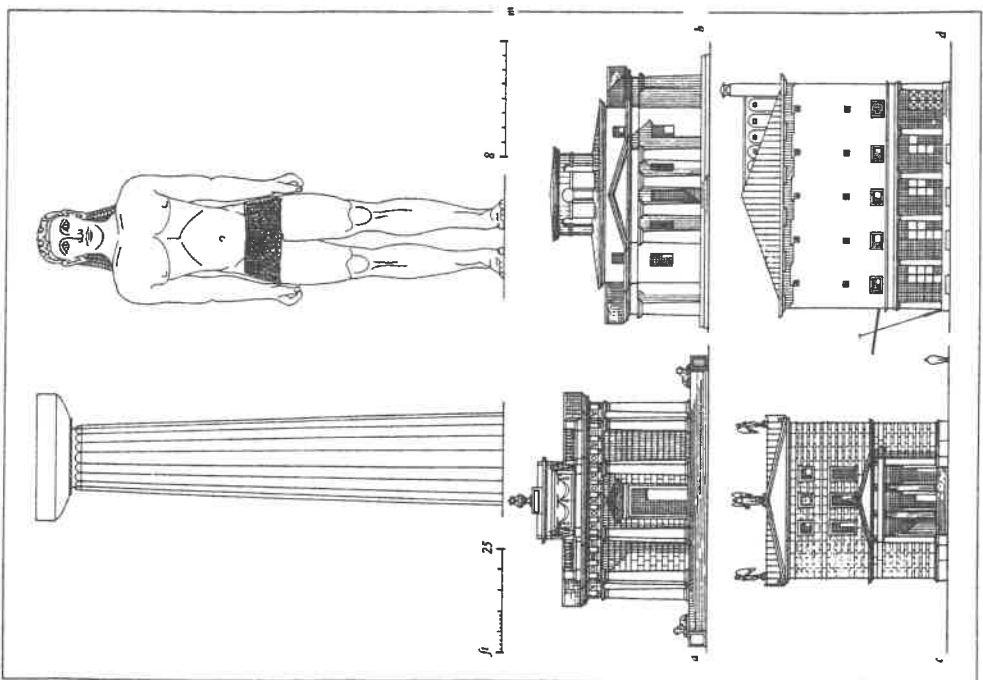


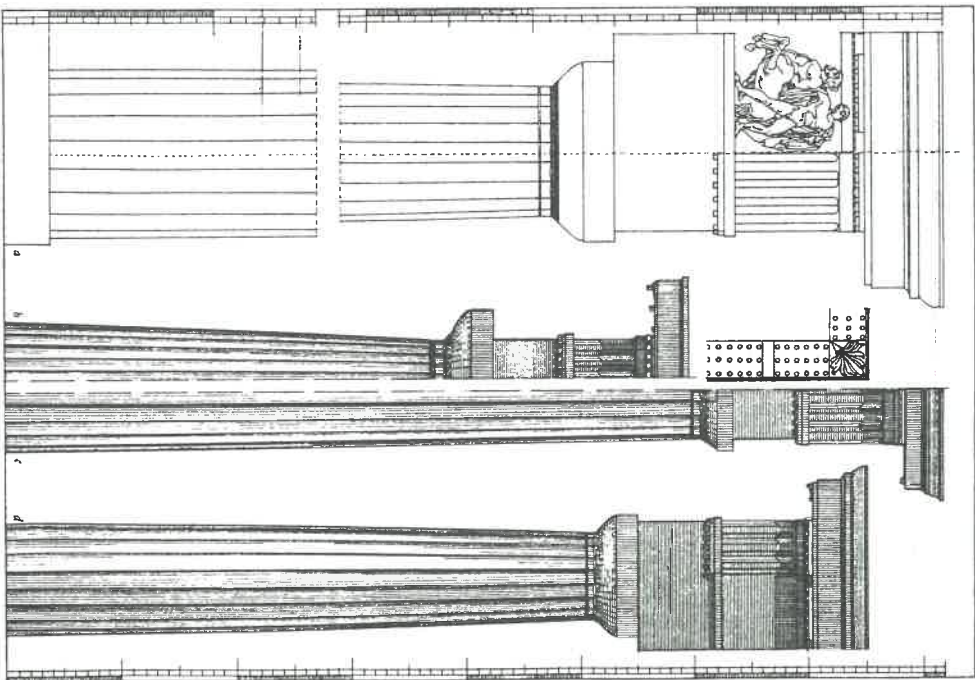
موارد استفاده از نظم یرنیک یونان

موارد استفاده از نظم توسکان یونان

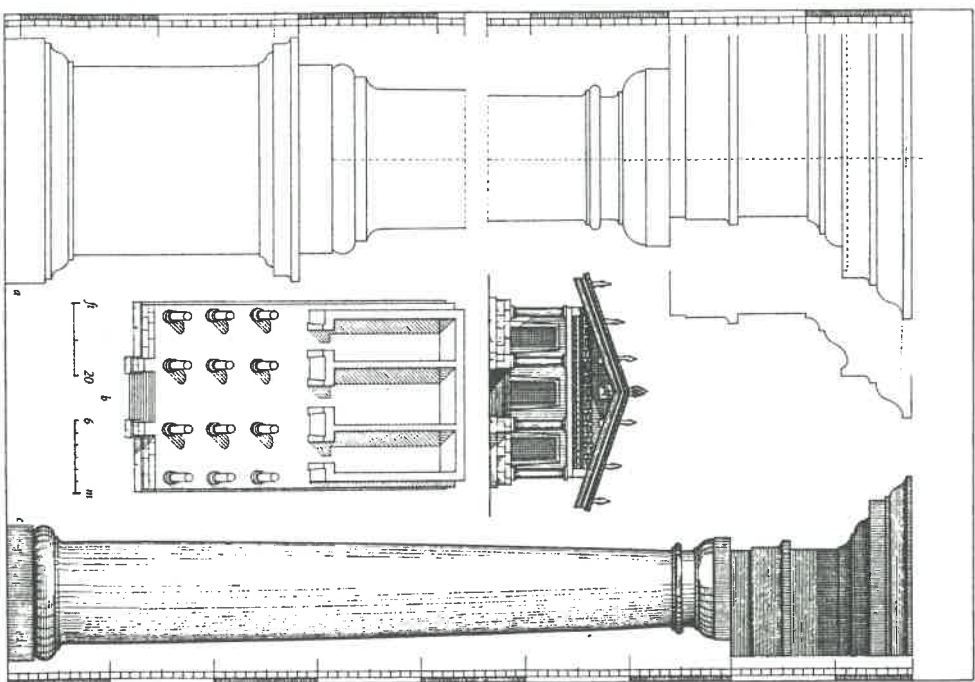


موارد استفاده از نظم دوریک یونان





نظم دوریک - یونان



نظم توسکان - یونان